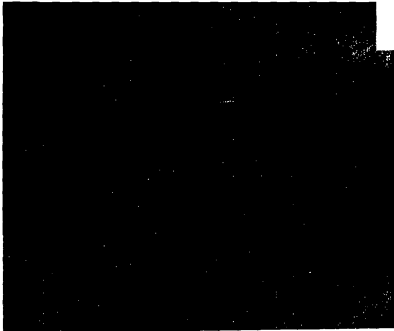


بعون حمد الملک المنان و ... سنه ۱۲ ...

حسب الحکم جهد ...
مطبع کثیر المنافع
لسلطان المطابع

دستور الصبیان

باهتمام کپتان
مقبول الدوله مرزا محمد
مهدی علیخان بهادر
مقبول

بکارخانهٔ علی بخشخان در لکهنؤ طبع یافته شد

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد وافر دبیری را که انشاء آفرینش کمی از قلم قدرت اوست نظم لطیف کرم گستر کارساز
که دارای خلق است و دانای راز + توان در بلاغت بسحبان رسید + نه در کنه بیچون سبحان رسید
و نعت مکاتب خبیری را که املاء دانش و بینش نکته از خامه هدایت اوست نظم یتیمی که ناکرده ق
درست + کتب خانه چند ملت بشست + امام رسل پیشوای سبیل + امین خدا مهبط جبرئیل
صلی الله علیه و آله و اصحابه اجمعین محرر این رساله که مسمی بدستور الصبیان ست خادم طلبه
در خدمت منشیان عالی طبع التماس میدارد که برای افاده تعلیم مبتدیان بعد تحریر رساله
اسماء فارسی و افعال فارسی و قوانین فارسی به تسطیر این اوراق اتفاق افتاد امید که
بر این ناقص گمان نبرده عیب پوشی را کار فرمایند نظم شنیدم که در روز امید و بیم +
بدان را به نیکان ببخشد کریم + تو نیز ار بدی بینیم در سخن + بخلق جهان آفرین کار کن + مخفی نماند که انشاء
در لغت پیدا کردن است و در اصطلاح سخنی ست که از معنی آن حصول مطلب
یعنی هر حرفی که نوشته شود زیاده از سه مراتب نیست بزرگ یا خرد یا برابر

فصل اول بجانب علی فصل دوم بطرف ادنی فصل سوم بنسبت مساوی چون تفاوت مین سلاطین
امرا در کتابهای قدیم بسیار است و فهم صبیان از ادراک آن قاصر لهذا موقوف داشته اختصار بر ضوابط
ضروری و مطلوبی نموده شد فصل اول بجانب اعلی مکتوب اول بجناب سعادت مآب
مرشد روشن ضمیر سلامت آداب تسلیمات مریدانه بجا آورده بعرض خادمان آستان هدایت
نشان میرساند که باعث مهجوری و سبب دوری از کثرت کارهاست لیکن شوق حصول قدمبوس زیاده
از حد بیان است انشاء الله تعالی بعد فراغ از امور ضروری سعادت قدمبوس حاصل می نماید آفتاب
هدایت و ارشاد دائما تابان و درخشان باد مکتوب دوم ذات جامع الکمالات حضرت
رهنمای سالکان طریق خدادانی دائما بر سر معتقدان سایه گستر باد مراتب زمین بوسی
بجا آورده معروض بندگان جناب ملایک مآب میدارد بورود افتخار نامه سعادت دارین
حاصل گردید هرچه درباب اشغال و وظیفه که از زبان الهام بیان تلقین یافته ارشاد شده
بود حقائق آگاها از برکت توجهات باطن قدسی آنحضرت هرگز از اشغال و اوراد غافل نیست
تا حصول سعادت قدمبوس امیدوار ارشاد بذریعه سعادت صحائف است خورشید
هدایت درخشان باد مکتوب سوم رهنمای سالکان و پیشوای عارفان
سلامت شرائط آستان بوسی بتقدیم رسانیده با هزاران تمنای قدمبوس معروض
میدارد صحیفه هدایت مع تعویذ بازو که از تفضلات مریدنوازی عنایت شده بود ورود
... دین بحصول پیوست ایزد تعالی سایه بلند پایه آنحضرت همیشه بر سر مریدان
... ... راحل خداشناسی سلامت تسلیمات معتقدانه بجا آورده بعرض بهره اندوزان بارگاه هدایت

میرساند تست که مژده خیریت ذات ملکی صفات نیافته خاطر عقیدت مآثر متردد است امیدوار

است که از چگونگی اوقات مبارک ارشاد فرمایند که جمعیت ظاهر و باطن حاصل شود زیاده

تمنای قدمبوسی چه عرضنماید مکتوب پنجم قبله مریدان و کعبه معتقدان مشتمل بر قواعد بندگی و پرستندگی بعقیده

معروضمیدارد از برکت توجهات باطنی آنحضرت مطلبی که در خاطر این مرید بود باعتقاد و بود بحصول

انجامید مبلغ یکصد روپیه نذر است و بخدمت و بدست یکی زخادمان درگاه ارسال داشته امیدوار است که بدرجه اجابت رسیده

ابواب ارشاد گشاده باد مکتوب ششم مجمع فضایل و منبع فواضل مشتمل بر تعداد دواعی عبودیت بعضی بعرض بهره اندوزان

معتقدان جناب فضیلت مآب میرساند از روزیکه تشریف شریف بطرف دولتخانه ارزانی فرموده اند اتفاق

مطالعه کتب عربی نمی افتد مگر کتابهای فارسی مطالعه میکنید امیدوار است که از قدوم سعادت لزوم

دیده انتظار شاگردان را منور فرمایند که این درس علوم محروم نگردد هنگام افاضت افادت گرم باد

مکتوب هفتم فیض بخشای علوم دینی و دنیوی مشتمل بر آداب کورنشات و نیاز بجاآورده معروض صحیفه

فیض درجت میگرداند بورود سرفراز نامه سعادت فراوان و جمعیت بیکران حاصل نمود وعده قدوم

فیض لزوم بعد انقضای شهر رمضان المبارک بقلم فیض رقم آمده بود امیدوار توجهات است که بموجب ارقام

تشریف تشریف ارزانی فرمایند سایه سعادت پایه آنحضرت در ایام بر سر معتقد ... مکتوب هشتم

مخزن علوم سبحانی معدن فیوض ضمنی ربانی مشتمل بر قواعد کورنشات و شرایط تسلیمات بتقدیم رسانیده

بعرض جناب بهره اندوزان حضور کمالات ظهور میرساند صحیفه سعادت بخش بعد ورود تو ... انگلند قواعد

کونین و مقاصد دارین حاصل گردانید در باب طلب این کمترین مریدان ارشاد شده بود انشاء الله

تعالی بعد یک هفته سعادت قدمبوسی حاصل مینماید آفتاب هدایت در ایام تابان باد مکتوب نهم بکاشته ...

واقف فنون لطیف حضرت میان جیو سلامت کمترین شاگردان خدویت آگین شهاب الدین تسلیمات
فدویانه و کورنشات شاگردانه بجا آورده معروض دانش اندوزان خدمت سراپا برکت میکرداند عز ورود
بورود نوازشنامه سرفراز نشده خاطر عقیدت مآثر متردد ست امید از ذات ستوده صفات
آن دارد که باصدار کرامت صحائف مشتمل بر مژدهٔ خیریت ذات بابرکات تسلی و طمانینت بخشند
زیاده بجز آرزوی قدمبوسی چه عرض نماید **مکتوب ۱۰ دهم** مولوی صاحب قبله و کعبه معتقدان
سلامت کورنش بندگی و شرائط سرافگندگی بجا آورده معروض رای بیضا ضیای میگرداند از زیرکی
متوجه آنصوب شده اند باصدار عنایت نامجات یاد نفرموده موانع آن بجز حیرت و انبساط عطا
امری دیگر مباد توقع از توجهات بزرگانه آن دارد که از مژده صحت و سلامتی ذات ملکی صفات اطلاع بخشند
که جمعیت ظاهر و باطن بحصول پیوندد ظل عاطفت بر سر خادمان مبسوط باد **مکتوب ۱۱ یازدهم**
قبله حاجات دو جهانی و کعبه مرادات جاودانی سلامت شرائط عبودیت و بندگی و ضوابط فدویت
و سرافگندگی بجا آورده معروض خدمت سراپا برکت میگرداند که سعود ادا نجد و مستوجب شکر ایزد
بیچون ست و صحت و تندرستی ذات جامع الصفات از حضرت آفریدگار مستدعا طرد و سرفراز نامه
سعادت آمود ورود فرمود مالامال خرمی و هزاران جمعیت حاصل ساخت و آنکه تاکید برای تحصیل
علم در حق کمترین فرزندان در تحت قلم نوازش رقم شده بود سرا سر سعادت و بهبود خود دانسته باشتغال
هنر در خدمت مولوی صاحب قبله حاضر میباشد ظل عاطفت آن مربی دو جهان همیشه بر مفارق فرزندان
مبسوط باد **مکتوب ۱۲ دوازدهم** قبله کونین و کعبه دارین مدظله العالی مراتب کورنشات قدویانه بجا آورده
من خادمان جناب سعادت مآب قبله گاهی لینعمی جیو میرساند بورود نوازشنامه شریف جمعیت تازه و دولت
بی اندازه حاصل ... باب رسال خیمه و فرش و غیره اشیای همراهی که ارشاد شده بود حسب الامر یکمنزل خیمه
و دو جفت شطرنجی بر چهکره بار کرده ارسال داشته و دیگر اشیای مطلوب همراه مبارک خدمتگار از عقب
روانه میسازد دولت جاودانی بهترین روزگار عالی باد **مکتوب ۱۳ سیزدهم** قبله مال و آمالی خداوند
نعمت ولینعمی صاحب سلمه الله تعالی بعد تقدیم شرائط آرزوی حصول سعادت قدمبوس که عمده مقاصد
کونین ست معروض رای عالی میگرداند حالات اینجا مالامال خیریت و مژدهٔ سلامتی ذات آنخداوند خدایگان
مقصود و مطلب مستدعی ست از خدمت عالی مرخص گشته در لشکر ظفر پیکر بندگان ... عمدة ...

بهادر [illegible] ملازمت [illegible] حاصل نموده [illegible] مهمات [illegible] امیدوار [illegible] بزرگوار
نموده [illegible] که [illegible] مصحوب [illegible] بجناب عالی اطلاع خواهد نمود زیاده چه عرض نماید مکتوب ۱۴

چهاردهم قبله [illegible] حضرت [illegible] سلمه الله تعالی آداب تسلیمات فرزندانه
و قواعد کورنشات فدویانه مؤدی ساخته بعرض عالی میرساند نوازش نامه سعادت آمود ورود فرموده سرفرازی
بیکران و جمعیت فراوان بخشید مبلغ یکهزار و پانصد روپیه که مصحوب [illegible] بکار بردگان [illegible]
ساهوکار [illegible] عنایت شده بود مطابق ارشاد آن قبله گاهی دو جهان نزد مذکور از دکان ساهوکار [illegible]
آورده رسید [illegible] مسطوره حواله ساهوکار نموده شد ذات بابرکات دائما بسر فرزندان سایه گستر باد

مکتوب ۱۵ پانزدهم میان صاحب قبله خداوند خداوندگان کعبه مراد دو جهان سلامت بعد ادای آداب فرزندی
معروض میدارد احوال اینجا مقرون بحمد ایزد است و مژده صحت و خیریت ذات بابرکات دمبدم از درگاه الهی
مسألت می نماید [illegible] که متوجه بسمت لشکر فیروزی اثر بندگان نواب صاحب قبله دام اقباله شده اند باصدار تسلی [illegible]
[illegible] خاطر فدویان [illegible] میدارد [illegible] صدور [illegible] نموده امیدوار است که از مژده خیر [illegible]
والا صفات و حقیقت [illegible] مفصل ارشاد فرمایند که جمعیت خاطر [illegible] انجام عمر و دولت در تزاید باد مکتوب ۱۶

شانزدهم عموی صاحب قبله خداوندگان سلامت آداب عبودیت بندگی بجا آورده التماس میدارد عنایت
پرتو [illegible] افگند جمعیت بی انتها بخشید در باب طلب [illegible] ارقام نموده بودند خواسته بود که بموجب ارشاد
[illegible] الفور روانه خدمت عالی نماید لیکن بسبب بعضی کارهای ضروری توقف نمود انشاء الله تعالی بعد دو سه
روز [illegible] فراغت نموده نعمت ملازمت حاصل می نماید سایه عاطفت آن مربی دو جهان مدام بسر
فرزندان مبسوط باد مکتوب ۱۷ هفدهم عموی صاحب خداوندگان مربی دو جهان سلامت لوازم فدویت [illegible]
بجا آورده معروض میدارد مدتیست که [illegible] و ارتباط قایم جمعیت اندوز نشده امیدوار اشفاق مربیانه
که برخلاف [illegible] صدور عنایت نامجات ممتاز میفرموده باشند که جمعیت ظاهر و باطن از آنست یک
بدره [illegible] آنخداوندگان ارسال نموده بنظر فیض اثر خواهد گذشت مقبول نظر گرامی خواهد بود زیاده
بندگی چه عرض نماید مکتوب ۱۸ هجدهم خداوند فیض رسان امیدگاه دو جهان سلامت بعد تقدیم
بندگی و آرزوی حصول سعادت ملازمت که خلاصه مقاصد است معروض نموده [illegible]
مبلغ پانصد روپیه برای خرید یک راس اسپ ترکی به [illegible] ساهوکار [illegible]

بخدمت فیض‌رسان ملاحظه نموده یک راس اسپ ترکی جوان و راهوار جهت سواری آن خداوندگان قیمت مبلغ پانصد
و پنجاه روپیه مقرر نموده پنجاه روپیه دیگر عنایت شود که اسپ که خریده ارسال نماید عنایت مسند مقصود فیض
آمدی خاندان باد **مکتوب ۱۹ نوزدهم** عموی صاحب فیاض زمان سلامت بعد تقدیم شرائط فدویت
و لوازم تسلیم عبودیت معروض میگرداند احوال بمحال مقرون بحمد ایزد متعال است و مژده تندرستی ذات والاصفات
و ما مطلوب نگارش نامه مع یک چیره و فوطه گجراتی ورود فرمود نشاط و جمعیت بی انتها حاصل گردید او سبحانه تعالی
آن مربی دودمان آدمیت را سلامت باکرامت دارا د زیاده چه عرض نماید **مکتوب ۲۰ بستم** قبله امانی سلامت
فدوی منشا ادام آداب کورنشات و بندگی بجا آورده معروض میدارد ملاطفت نامه مشتمل بر طلب یک شیشه گلاب
در کمال انتظار شرف ورود فرمود معزز ساخت مطابق ایمای شریف یک شیشه گلاب و آتشه ارسال داشته
اگر دیگر مطلوب باشد ارقام خواهند فرمود که سعادت خود دانسته ارسال خواهد داشت زیاده چه التماس نماید **مکتوب
بست و یکم** اخوان صاحب فیض‌رسان سلامت بعد تقدیم آداب بندگی معروض بخدمت بهره اندوز اند
مضمون میرساند عنایت نامه ورود فرمود هزاران خرمی و جمعیت حاصل گردید اراده لشکر ظفر پیکر بندگان نواب
صاحب فیروز جنگ رقام فرموده بودند حق تعالی در همه جا و همه حال حافظ و ناصر بوده بمطالب دلخواه فائز
امید از الطاف مربیانه آن است که بمجرد رسیدن لشکر خبر خیریت اثر بدست آیندگان این صوب نگارش خواهند
که تسلی ظاهر و باطن از آن است زیاده دولت جاوید روزی باد **مکتوب ۲۲ بست و دوم** بهائی صاحب
قبله خداوند خداوندگان سلامت مراتب فدویت و بندگی بجا آورده التماس میدارد که احوال اینجدود مقرون بخیر
و مژده صحت و سلامتی ذات بابرکات علی الدوام از درگاه الهی مستدعا دارد سابق در مقدمه شادی برخوردار
سعادتمند اینجانب نسبت بخانه صاحبزادی ساکن قصبه علی نگر بخدمت گرامی التماس نموده بود اگر خود بدولت قبول فرموده
معلوم نسبت بظهور آید قاصد را محض برای این کار فرستاده شد امید که زود جواب صفی مرحمت فرمایند جمعیت
افزاید باد **مکتوب ۲۳ بست و سوم** دادا صاحب خداوندگان مربی فیض‌رسان سلامت شرائط بندگی
و عبودیت بجا آورده معروض میرساند سوانح این نواحی مستوجب شکر الهی است و نوید سلامتی ذات آنخداوندگار
روز و شب از حضرت صمدیت مسالت می نماید صحیفه اشفاق پرتو ورود افگند جمعیت و انشراح وافر بخشید
جهت خرید پارچه عنایت شده بود بموجب ارقام شریف پارچه خرید کرده فرستاده شد
قیمت از فرد علیحده روشن و هویدا خواهد شد زیاده چه عرض نماید مکتوب ۲۴ بست

و چهارم داداصاحب قبله دو جهان سلامت بعد تقدیم شرایط بندگی التماس میدارد ملطف نامه فرمود معزز و ممتاز ساخت در باب گذرانیدن عرضی بجناب میر صاحب قبله و حصول جواب مرشد مطابق فرموده شریف عرضی گذرانیده جواب حاصل نموده ارسال داشته شد همیشه امیدوار ارشاد خدمات ست عمر و دولت در تزاید باد **مکتوب ۲۵ بست و پنجم** بهائی صاحب خداگان پشت پناه برادران سلامت مراتب بندگی و غلامی بتقدیم رسانیده معروض میدارد درین روزها باصدار عنایت نامجات یاد نفرموده‌اند خاطر قدوی متردد ست امید از توجهات مربیانه آن دارد که از ورود خیریت نهاد ارشاد که تسلی ظاهر و باطن بحصول پیوندد زریکه سابق برای خرج خانه عنایت شده بود بخرج درآمده امیدوار که چیزی خرچ دیگر مرحمت شود زیاده چه التماس نماید **مکتوب ۲۶ بست و ششم** خانصاحب قبله خداگان فیض بخش و فیض رسان سلامت بعد تقدیم بندگی که وظیفه مستمندان ست معروض رای خورشید ضیای میگرداند عاطفت نامه شفقت آمود عز ورود فرمود جمعیت فراوان و نشاط‌ها بآن حاصل گردید مبلغ پانصد روپیه که از راه توجهات مربیانه عنایت شده بود رسید هزاران جمعیت و فارغ البالی بخشید حق تعالی آن مربی فیض رسان را تا دیرگاه بر سر فدویان سلامت داراد زیاده بجز شکر توجهات چه عرض نماید **مکتوب بست و هفتم** ماموں صاحب قبله خداگان تکیه‌گاه بیکسان سلامت شرایط عبودیت و بندگی بجا آورده التماس میدارد مدتیست که بورود عنایت صحائف ممتاز نگردیده از توجهات مربیانه بسی بعید نموده امید از عاطفت بیکران آنست که برخلاف ایام گذشته باصدار عنایت نامجات یاد و شاد میفرموده باشند که تسلی و تقویت ظاهر و باطن از آن ست دولت و اقبال در تزاید باد **مکتوب ۲۸ بست و هشتم** ماموں صاحب قبله آمال و امانی سلامت بعد تقدیم مراتب عبودیت بعرض خدمت فیضدرجت میرساند نوازشنامه مشتمل طلب قدوی شرف اصدار یافت معزز و ممتاز فرمود خواسته بود که بموجب امر شریف خود را بهره اندوز ... بسبب بارش باران و کثرت آب و خلاب او توقف نموده وقتیکه بارش فرصت میدهد و راه خشک میشود زود بسعادت ملازمت فائز خواهد شد ذات بابرکات دائما بر سر فدویان سایه گستر باد **مکتوب ۲۹ بست و نهم** ماموں صاحب قبله خداگان فیض بخشای مستمندان سلامت لوازم فدویت و بندگی که موجب سعادت ابدی ست بتقدیم رسانیده التماس میدارد سابق امر شده بود که در ماه بیساکه قاصد مع خرچ خواهد رسید چون عده منقضی شده ناچار بعد انتظار بسیار قاصد ... روپیه ... مقرر نموده روانه کرده امیدوار است که بدست قاصد هرچه در خاطر مبارک باید

برای ترجیح عنایت فرمایند زیاده چه عرض نماید مکتوب ۳۰ سی ام ماموں صاحب فیض رسان مهربان سلامت
[illegible] بجا آورده التماس می نماید که فدوی از چهار ماه معطل در خانه نشسته است اگر در سرکار دولتمدار نواب
[illegible] جایش روزگار باشد یک قطعه پروانه بمهر خاص حاصل نموده عنایت سازند که ساز و سرانجام طیار کرده خود
را بلشکر ظفر پیکر رساند زیاده چه التماس نماید مکتوب ۳۱ سی و یکم غریب پرور سلامت از جناب عالی رخصت یافته
پرگنه رحیم نگر رسیده احوال پرگنه دریافت نمود بسبب سختی عامل سابق رعایای پرگنه پریشان و فرار شده بودند همه را تسلی
و دلاسا نموده آباد کرده ام چون هنگام تردد است و در اکثر دیهات نرگاوان و غله نیست که تردد کشتکاری نمایند
لهذا امیدوار فضل و کرم است که مبلغ پانصد روپیه از سرکار عنایت شود که تقاوی داده تردد کنانیده جمع سرکار
مع تقاوی و باقی حصول نماید واجب بود بعرض رسانید مکتوب ۳۲ سی و دوم غریب پرور سلامت پروانه
[illegible]امت نشانه در باب ارسال خزائن ورود فرمود سعادت و سرفرازی بخشید مطابق ارشاد مبلغ پنجهزار روپیه که موجود
[illegible] همراه میر سلطان علی وغیره سواران برادری میر فیض ابتدا ارسال نموده اغلبکه داخل خزانه سرکار خواهد شد امیدوار
فضل و کرم است که متصدیان امر شود که اخذ زرهای مرسوله حواله سواران مسطور نموده زود رخصت نمایند انشاء الله
تعالی از عقب خزانه معقول سرانجام نموده ارسال میدارد واجب بود بعرض رسانید مکتوب ۳۳ سی و سوم
غریب پرور سلامت رعایای اکثر دیهات این پرگنه باقی سرکار بر ذمه خود گرفته در پرگنه دولت آباد علاقه مرزا نور بیگ
سکونت گرفته اند هر چند که فدوی دو سه مرتبه بخدمت مرزا مذکور برای اسامیان فراری نوشته لیکن مرزا مسطور
متوجه نمیشوند و نظر بر سرکار واحد نمیکنند لهذا امیدوار فضل و کرم است که یک قطعه پروانه بنام مشار الیه مصحوب
چیله سرکار صادر شود که اسامیان را حواله کسان فدوی نمایند که بجای خود آمده آباد شده در سرانجام زر
باقی و تردد آینده مشغول باشند واجب بود بعرض رسانید مکتوب ۳۴ سی و چهارم غریب پرور سلامت دستک
پنج سوار گلهپوش بنام فدوی در باره طلب زر باقی سال گذشته تعیین شده غلام [illegible] بعرض کرده بود که این
[illegible] سال سرانجام خواهد شد امیدوار فضل و کرم است که دستک سواران مقرر رسید شود باقبال عالی آنچه امسال
سرانجام خواهد یافت قصور نخواهد شد و تتمه در دو سال بیباق خواهد نمود غلام دولتخواه و فرمانبردار سرکار است
[illegible] در شرائط فرمانبرداری و مالگزاری تقصیر نخواهد کرد واجب بود بعرض رسانید عمر و دولت در ترقی باد
مکتوب ۳۵ سی و پنجم غریب پرور سلامت بوده پروانه سعادت آمود سرفرازی و ممتازی حاصل
نمود در باب طلب فدوی مع خزانه حکم شده بود حسب الامر در تدبیر فراهم آوردن زر [illegible]

در عرض یک هفته ترجیح نموده سعادت ملازمت حاصل مینماید امیدوار است که متصدیان حضور ارشود تا رسیدن
غلام از دستک سواران معاف دارند واجب بود بعرض رسانید **مکتوب ۳۶ سی و ششم** خانصاحب قبلهٔ
خداوند نعمت دو جهان سلامت آداب عبودیت و فرمان برداری بجا آورده بعرض خادمان جناب فیض مآب میرساند
نوازشنامه سعادت آمود رسید باعث سرفرازی بنده نوازی گردید در باب ارسال خزانه و تاکید تحصیل زر آمر شده
بود بنده نواز از زریکه تحصیل شده بود دیروز مع خرم بیگ غیره سواران حضوری ارسال داشته یقین است که داخل
فوطه خانه سرکار شده باشد و از تاکید تحصیل زر یکساعت غافل نیست و باقبال عالی زر سرکار بر وقت تحصیل نموده
متواتر ارسال حضور می دارد واجب بود بعرض رسانید **مکتوب ۳۷ سی و هفتم** خانصاحب قبلهٔ خداوندگان فیض بخش
سلامت درین ایام فرخنده فرجام بگوش دعاگویان مستهام رسید که خدمت چکله داری پرگنات علی نگر بنام نامی
از حضور فیض گنجور بندگان نواب مستطاب مقرر گشته خدا می داند که از استماع این خبر فرحت اثر چندان انشراح
خاطر و جمعیت ظاهر و باطن بحصول پیوست که بیان آن در بیان متعذر است او سبحانه تعالی مبارک و فرخنده سازد
دولت روز بروز افزون گرداناد امیدوار توجهات است که فدوی را یکی از دولتخواه قدیم تصور نموده همیشه
باصدار سرفرازنامجات جزو کل ضروریات ممتاز میفرموده باشند دولت و اقبال در تزاید باد **مکتوب ۳۸ سی و هشتم**
خانصاحب خداوندگان فیضرسان سلامت لوازم بندگی بجا آورده التماس میدارد ورود الطاف صحیفه
جمعیت و انبساط حاصل نمود در باب گذرانیدن عرضی و دستخط شدن [illegible] پیدا شده بود
مطابق ارقام گرامی هنگام خلوت عرضی را بنظر مبارک خانصاحب معه علیه گذرانیده بحجب آن زدی آن
فیضرسان مزین بدستخط کنانیده ملفوف عریضه ارسال داشته شد امیدوار توجهات است که مخلص را یکی از
دولتخواه خود تصور فرموده بارشاد خدمات لائقه معزز میفرموده باشند که سرانجام آن سعادت دارین خود
عمر و دولت در تزاید باد **مکتوب ۳۹ سی و نهم** میرزا صاحب خداوندگان مربی فیضرسان سلامت سرفراز
بر طلب ورود فرمود اعزاز و امتیاز بخشید بنده نواز همگی پنجهزار روپیه در پرگنه از جمعی سال تمام باقی است
تردد آینده در پیش آمده اگر درینوقت زر از رعایا طلب کند خلل در تردد آینده میشود صلاح دولت آن
کرده پانزده روز را مهلت شود انشاءالله تعالی درینعرصه از تردد خاطر جمع کرده باقی زر سرکار تا آخر
وصول نموده مرسول خواهد داشت واجب بود بعرض رسانید **مکتوب ۴۰ چهلم** میرزا صاحب قبلهٔ
مراتب عبودیت و بندگی بجا آورده بعرض سعادت اندوزان جناب فیضمآب میرساند ورود

فیض آمود باعث سرفرازی گردید در طلب فرستادن پهنالهای نارنگی و شفتالو امر شده بود بنده نوازا باغبان سرکار
حکم شود که در باغچه فدوی رسیده هر قدر پهنالهای مطلوبه خواهد کندیده و برد امیدوار توجهات ست که همیشه
بارشاد خدمات ممتاز میشده باشد الهی شجره دولت ثمره مراد بار و بار باد خواسته شده **مکتوب ۴۱ چهل و یکم** میرزا صاحب قبله
کعبه مراد دو جهان سلامت آداب تسلیمات بجا آورده معروض خدمت سراپا برکت می گرداند ایام
در انقضی گشت که مهجور الخدمت بیاد عالی نگذشت از توجهات بزرگانه امیدوارست که با صدار رسائل
عنایات متواتر بهره مند و کامیاب میشده باشد در بنولا دو پهنان چهینت اکبرآبادی بشخصی برآمده فرستاده بود بنده عامل سرکار
دانسته ابلاغ خدمت نموده امیدوارست که درجه پذیرائی یابد زیاده حد ادب ندید **مکتوب ۴۲ چهل و دوم**
میر صاحب قبله خداوندگان سلامت مراتب بندگی بتقدیم رسانیده معروض خدمت فیض درجت میگرداند بوده فرستادن قبول شدن
عنایت نامه موجب حصول جمعیت و امتیازی تازه گردید در باب طلب راموز میندار موضع لچهمی پور که حاضر
ضامنی سکهه داس زمیندار پرگنه دولت نگر نوشته امر شده بود خداوندگان من راموز میندار مسطور ظاهر
می نماید که سکهه داس را در ماه اساژه در کچهری حاضر کرده از ضامنی بری الذمه شدم لیکن متصدیان بعلت طمع
نشانک از دفتر جدا نکردند دریناب هر چه امر شود بعمل آرد واجب بود بعرض رسانید **مکتوب ۴۳**
چهل و سوم میر صاحب خداوندگان فیض زمان سلامت شرایط بندگی و خدمت گزاری بجا آورده ملتمس میسازد
رحمت صحیفه پرتو ... صدور ... و سعادت اندوز گردانید در باب جاگیری بهیا گلاب رای منشی بقلم
ندیده بود موجب ارقام شریف تا مقدور خود در خدمت و غور مشار الیه قصور نخواهد شد همیشه امیدوار ارشاد
خدمت است واجب بود بعرض رسانید **مکتوب ۴۴ چهل و چهارم** میر صاحب خداوندگان فریاد رس دادخواهان
سلامت قواعد عبودیت بندگی بجا آورده التماس میدارد رعایای موضع فرید نگر علاقه فدوی دادخواه هستند
عامل پرگنه دولت ... موجب آزار رجال آنها میرساند از ذات بابرکات که دادگستر رعیت پرورست
بعد ... یک قطعه پروانه بنام عامل مذکور عنایت شود که باعث آزار و اضرار رعایای موضع مذکور
نشود خورشید اقبال و اجلال دائما تابان باد **مکتوب ۴۵ چهل و پنجم** شیخ صاحب قبله خداوندگان سلامت
سرفراز نامه متضمن بر طلب کهاران جهت پالکی سرکار ورود فرمود سرفرازی بخشید حسب الامر ده نفر کهاران بدرمیه
بر روپیه فی نفر مقرر نموده روانه ساخته همیشه امیدوار اصدار عنایت صحایف می باشد دولت و اجلال دائما
مکتوب ۴۶ چهل و ششم شیخ صاحب خضر سان سلامت بعد گزارش لوازم بندگی و تمنای

خدمت شریعت التماس میدارد که زمینداران موضع رام نگر را مبلغ پانصد روپیه از گلاب رای مهاجن بموجب فرموده آنفیض رسان بوعده ماه کوار بطریق تقاوی دوانیده بودم چنانچه ماه اگهن هم آخر شد زمینداران موضع مذکور زر مهاجن مسطور از بنده تقاضای شدید میدارد و لهذا تصدیع داده می آید که زمینداران را تاکید فرمایند که زر مهاجن مع سود ادا سازند که آینده راه سلوک داد و ستد جاری باشد زیاده جمعیت و کامرانی باد مکتوب چهل و هفتم بنام صاحب سراپا لطف و احسان سلامت بعد اظهار شرایط عبودیت دارزوی حصول نعمت ملازمت میدارد و بورود والطاف نامه عاطفت آمود سرفرازی و جمعیت و خرمی حاصل گردید از راه توجهات در مقدمات خیرخواه بموجب التماس وکیل دربار بقلم اشفاق رقم آمده بود بوم مضمون عاطفت سامی گردید بنده بدربار آن ذات ستوده صفات نامربی خود میداند توقع سرانجام کارهای دربار از دستگیری شریف میدارد و سبحانه تعالی بااین خوبی بزرگی تا دیرگاه سلامت داشته بمراتب لایقه دلخواه رسانند خیرخواه را از خود تصور فرموده باصدار عنایت نامجات مع خدمات لایقه ممتاز می کرده باشند دولت و اقبال بی زوال باد مکتوب چهل و هشتم بشیخ صاحب خدایگان منبع الجود والاحسان سلامت قواعد بندگی و مراسم عبودیت و مستمندی بجا آورده معروض خدمت سراپا برکت میگرداند از نوشته اخوی میرفیض اسد دریافت شده که بندگان نواب صاحب قبله دام اقباله دو صد سوار دیگر در رساله شریف اضافه فرموده اند اما صاحب در تلاش سواران هستند باستماع این خبر خیلی بهجت و جمعیت حاصل گردید چون برخوردار قدرت الله معطل در خانه نشسته است لهذا التماس می نماید که رساله شاد شوند همراه برخوردار مذکور روانه خدمت گرامی نماید که شرایط بندگی بجا آورده سعادت دارین حاصل سازند زیاده جمعیت و اقبال دایما در ترقی باد مکتوب چهل و نهم بشیخ صاحب مهربان فیض رسان بیکسیان سلامت بعد تقدیم وظایف نیازمندی مشهود ضمیر فیض تصویر میگرداند سابق زبانی وکیل دربار فرموده بودند که اگر مخلص کدام دیهه از علاقه شریف بطریق تعهد بستد عا نماید دریغ نخواهد بود در ینولا کیسی شفاعت پیش میفت نخواهد که موضع کریم پور را ترددکنانیده نزر سرکار سرانجام نماید و قدری زمین برای وجه قوت متعلقان علیحده از جمع سرکار کشتکاری کناند امیدوار دستگیری مشفقانه است که پته موضع مسطور بجمع سال گذشته عنایت شود که بموجب آن قبولیت نوشته حواله وکیل نماید و زر قبولیت بلا عذر ادا رسانند زیاده چه التماس نماید مکتوب پنجاهم دیوان صاحب قبله خدایگان مربی فیضرسان سلامت لوازم عبودیت بتقدیم رسانیده معروض میدارد ای مهربان بخلاصی میگرداند مبلغ پنجهزار روپیه از تعلقه بنده معرفت فتح چند وکیل داخل فوطه خانه سرکار شده متصدیان کچهری در دادن

داخله التماس نمایند امید از توجهات بزرگان آن دارد که منصدیان تاکید شود که ... گردد و حواله وکیل نمایند و بنده را در خدمت سامی بندگی قدیم است شایسته آنست که اگر کار دیگری پیش آید بلا توقف از کچهری برآورده و دیده آنکه برای کار خود ملتجی و منتظر باشند آینده بخلاف گذشته متوقع بمطالب دلخواه است دولت و کامرانی جاوید دائمی باد

مکتوب پنجاه و یکم دیوان صاحب دستگیر درماندگان بیکسان سلامت شرائط عبودیت و بندگی بجا آورده معروض خدمت میگرداند استماع یافته که خدمت پیشکاری پرگنه فیروزآباد و غیره از حضور ... بنام نامی صاحبزاده بلند اقبال مقرر شد از شنیدن این خبر نهایت انشراح ظاهر و باطن بحصول پیوست چون بنده زاده از چهار ماه معطل است لهذا باستانه دولت راه دولتخانه خود دانسته التجا آورده که اگر خطی بمهر خاص درباره روزگار بنده زاده بنام صاحبزاده عنایت شود غایت بنده نوازیست مراتب اقبال در تزاید باد

مکتوب پنجاه و دوم دیوان صاحب مشفق قدردان فیضرسان سلامت بعد اظهار مراسم بندگی و آرزوی خدمت شریف التماس میدارد عنایت نامه مشتمل طلب است تهان گزی جهت خیمه شرف ورود فرمود موجب جمعیت وافر گردید بموافق فرموده ... طلب داشته قدری زر حواله نموده تاکید بواقعی کرده که بزودی فراهم آرد آدم شریف استقامت ... حالی از عقب تهان گزی جمع کرده بگرامی خدمت ارسال خواهد داشت بنده را از خود دانسته ... [illegible] ... زیاده چه التماس نماید

مکتوب پنجاه و سوم دیوان صاحب مشفق فیضرسان ... سلامت بندگی قدیم رسانیده مشهود ضمیر فیض تصویر میگرداند سابق پروانه تنخواه مبلغ پنجهزار روپیه بنام مرزا اعظم بیگخان بر علاقه بنده صادر شده بود چنانچه عذری از تنخواه وارد بود کرده ... ادای زر مقید است و از نوشته وکیل در بار معلوم شد که دیگر پروانه تنخواه سه هزار روپیه بنام شیخ دوست محمد بر علاقه ... [illegible] ... اق شده و هنگام تحصیل منت امید از دستگیری مهربانه آن دارد که تنخواه ... [illegible] ... مردان سپاه عهده برائی نمیتواند شد

مکتوب پنجاه و چهارم ... فیضرسان سلامت مراتب عبودیت و بندگی بجا آورده معروض خدمت فیض منزلت میگرداند تعلقه راجه پور از تشخیص هیچ سالگذشته اجاره میخواهد و مبلغ پانصد روپیه نذرانه آن فیضرسان قبول میکنند چون مکان ... از دست از ... تردد هم میشود و زر سرکار هم بلا حرج سه بندی سرانجام می یابد اگر اجمعی حضور بنده ... التماس ... ظل دولت ممدود باد

مکتوب پنجاه و پنجم لاله صاحب قبله ... عبودیت و دستمندی بجا آورده معروض رای فیض پیرای میگرداند باستماع مژده تفویض خدمت ...

خانه سرکار دولتمند فلک شکوه فلک جناب بذات والاصفات جمعیت بی اندازه حاصل گردید او سبحانه تعالی
و فرخنده گرداناد و بنده بدستور برفاقت شیخ صاحب فیضرسان در رحیم نگر استقامت میدارد و امیدوار فضل کریم
کرمخلص بحالی از وابستگان خود تصور فرموده باصدار غیات نامجات معزز و مسرور [illegible] باشند زیاده حد
مراتب باد **مکتوب پنجاه و ششم** خانصاحب قبله فیضرسان سلامت بعد اظهار مراسم عبودیت و
نیازمندی بخدمت سراپا سعادت التماس میدارد میر فیض الله ایمه دار قصبه جلال آباد برای طیار کردن ایمه
دیهه ایمه خود بحضور فیض گنجور میرسد از انجا که خدمت این طایفه عالیه مستوجب سعادت عظمی ست لهذا التماس
میدارد که بهر قدر توجهات درباره حصول مطلب میر صاحب مبذول خواهد شد نیازمند ممنون منت و زیر بار
احسان شریف خواهد گردید حدیث نبوی صلی الله علیه وسلم مؤکد این معنی ست خیر الناس من ینفع الناس او سبحانه
تعالی ترقی عمر و دولت مزید گرداناد **مکتوب پنجاه و هفتم** لاله صاحب مهربان فیضرسان سلامت بعد
مراتب بندگی و نیاز التماس میدارد از نوشته گلابرای وکیل دریافت شده که متصدیان کچهری [illegible]
برفراد داخله [illegible] میکنند لهذا مصدع خدمت گرامی میشود که بهر چه تحریر متصدیان از وکیل استدعا می نماید از گماشتهای
دکان منسارام ساهوکار بدهانند که داخله ها طیار شده نزد مخلص برسد انشاءالله تعالی زر مذکور [illegible]
خواهد شد زیاده چه طراز د **مکتوب پنجاه و هشتم** لاله صاحب خدایگان دستگیر درماندگان سلامت بعد
تقدیم مراسم بندگی و تعظیم التماس میدارد شیخ بدر الدین بعلت بالضامنی [illegible] قدرت الله در بندیخانه محبوس شده
اند مبلغ دو صد روپیه بابت پته عالمگیری منجمله بالضامنی باقی ست شیخ مذکور میگوید که اگر خلاصی میشود دیگر
زر مذکور سرانجام کرده برسانم چون ذات جامع الحسنات در کار خیر بی احتیاج ست لهذا عرض مینماید که بعرض بندگان
خانصاحب قبله مدظله رسانیده و در انچه مخلصی مشار الیه شود توجه مشکور مبذول فرمایند درین صورت بمخلص منت
عظمی خواهد شد الله تعالی نتیجه خیر راست گرداناد **مکتوب پنجاه و نهم** لاله صاحب مهربان ملجای غریبان و بیکسان
سلامت بعد گزارش مراسم بندگی که وظیفه مستمندان ست ملتمس میشود اخلاص دستگاه میر قدرت الله [illegible]
ست از گردش زمانه افلاس تمام بحال او راه یافته بوسیله نیازنامه عازم خدمت گرامی گردید از انجا که او سبحانه
دستگاهی بخشیده باعث نفع خلایق گردانیده ست اگر توجهی برحال مشار الیه مبذول شود از غربا نوازی بعید
نخواهد بود زیاده جمعیت و خرمی باد **فصل دوم بطرف ادنی نویسد مکتوب شصتم** برخوردار نورچشم
راحت جان طول عمره همواره در حفظ حافظ حقیقی بوده از عمر و زندگانی بهره یاب باشند بعد دعوات مزید حیات

مطالعه نمایند احوال اینجا مستوجب شکرست و سلامتی آن نور چشم دائما مطلوب از روزیکه آمدن اینجانب در لشکر شده
خبر خیریت آن برخوردار نرسید خاطر بسیار متردد ست لهذا قاصد را مع هنڈوی مبلغ دو صد روپیه چوکان
گلابرای ساهوکار متوطن بلدهٔ فتح پور فرستاده شد لازم که زر هنڈوی از ساهوکار گرفته رسید نوشته بفرستند که
[illegible] جمع شود و در تحصیل علم نیز سعی بلیغ نمایند که سعادت دنیا و عقبی از آن ست زیاده چه مکتوب ۶۱
شصت و یکم [illegible] سعادت اطوار کامگار طول عمره بعد ادعیهٔ وافیه و شوق دیدار فرحت آثار
[illegible] خاطر عزیز باد خط مسرت نمط مع خطوط عظیم آباد رسید باعث هزاران نشاط و خرمی گردید حقیقت آمدن
خود همراه شاه صاحب که نوشته بودند باید که هرگاه شاه صاحب وانهٔ مکان متعلقهٔ شوند آن برخوردار نیز همراه شوند
عالم [illegible] و رضا شدنی آنا ضرورست بفضل الهی آن برخوردار خود دانا هستند درین باب احتیاج
[illegible] نیست زیاده بجز شوق چه نوشته آید مکتوب ۶۲ شصت و دوم برخوردار سعادت اطوار خجسته اقبال
طول عمره بعد از دعوات درازی حیات مطالعه نمایند درین روزها خط آن برخوردار نرسید خاطر متردد ست بنابر آن
قاصد را مع مبلغ یکصد و پنجاه روپیه نقد فرستاده شد لازم که رسید مبلغ مزبور بر نگارند مبلغ پنجروپیه بتجویز مرسول
[illegible] بیگاه شیخ عبد الله اخوند را خواهند داد و در نوشتن و خواندن نوعی سعی و دلسوزی
شبانروزی بکار برند که زود در فن انشا بهره وافی حاصل شود زیاده عمر باد مکتوب ۶۳ شصت و سوم
برخوردار سعادت آثار شایسته [illegible] طول عمره بعد دعای مزید حیات و ترقی درجات مطالعه نمایند که احوال این
نواحی بخیریت [illegible] آن برخوردار دائما مطلوب از حینیکه من در لشکر آمده ام خط آن برخوردار وصول
[illegible] خاطر متردد ست لهذا قاصد فرستاده شد لازم که از احوال خیریت اشتمال اطلاع دهند که خاطر را طمانیت
[illegible] رسد و در خواندن و نوشتن سعی موفور بکار برند که سعادت کونین در تحصیل علم ست هر که غافل ماند جاهل ماند
زیاده والدعا مکتوب ۶۴ شصت و چهارم برخوردار نور الابصار راحت القلوب عبد الکریم پیوسته
[illegible] گانی بالامال کامرانی باشند بعد ادعیه وافیه شوق دیدار راحت آثار مکشوف خاطر باد خط مسرت نمط
رسید باعث نشاط خاطر گردید از تکلیفات خرچ که نوشته بودند هنوز زر وجه طلب از سرکار نیافته
[illegible] بیک طلب از سرکار می برآید خرچ معقول خواهم فرستاد الحال مبلغ یکصد روپیه از خزانچی سرکار
[illegible] قرض گرفته فرستاده شد لازم که بکار ضروری خرچ خواهند نمود و از تحصیل علم غافل نباشند که امتیاز و عزت
[illegible] از هنر ست زیاده دعا و الشوق مکتوب ۶۵ شصت و پنجم برخوردار کامگار اقبالمند همواره از عمر و

دو دولت کامرانی [illegible] باشند بعد دعای مزید حیات وشوق ملاقات مطالعه نمایند خط مرسله وصول نمود
باعث [illegible] گردید از عنایات بندگان نواب صاحب قبله دام اقباله العالی آن بلند اقبال عطائی شاله و پانصد
سوار و یکهزار پیاده جزا تر انداز که بقلم آورده بودند او سبحانه تعالی مبارک [illegible] روز بروز ترقی مراتب
گرداناد و بنا بر طلب سواران که نوشته بودند انشاء الله تعالی هر قدر سواران بهم میرسند فرستاده میشوند
[illegible] جمعیت [illegible] باد مکتوب شصت و ششم برخوردار سعادتمند قرة العین غلام حسین
طول عمره بعد دعای مزید حیات و شوق دیدار مسرت آثار واضح باد احوال اینجا بفضل خدا مستوجب شکرست
و سلامتی آن نور چشم مطلوب دیر ست که از احوال آن کامگار اطلاع ندارد لهذا آدم فرستاده شد لازم که
کوائف خود مشروحاً بقلم آرند که خاطر جمع گردد یک قبضه کمان برای آن برخوردار فرستاده
باید که استعمال تیراندازی نمایند که کماندازی هنر بزرگ ست تیر آرند [illegible] مکتوب
شصت و هفتم برادر عزیز والاتمیز سعادت آثار همواره در حفظ حافظ حقیقی بوده کامیاب و شاد
باشند بعد دعوات مزید حیات و شوق دیدار مسرت آثار مکشوف خاطر عزیز باد احوال اینجا مقرون خیریهاست
و سلامتی آن سعادتمند دمبدم از حضرت سبحانه تعالی مطلوب [illegible]
ساخت برای قبول کردن شادی برخوردار ستوده خصال لاله رام دیال که نوشته بودند اگر مصلحت
گرفته والده ماجده در آید چه مضایقه مرا مرضی مبارک حضرت [illegible] همه چیز با مقدم ست زیاده والد
مکتوب ۶۸ شصت و هشتم برادر ریحان برابر حمیده خصال لاله [illegible] لال اطال الله عمره بعد ادعیه
و شوق دید نها مطالعه نمایند روداد این نواحی مقرون شکر الهی ست و خیریتهای آن عزیز از جان [illegible]
میدارد اینجانب بفضل الهی در سرکار خانصاحب غلام علیخان به رسالهٔ پنجاه روپیه بلا قصور نوکر شد انشاء
الله تعالی بعد چندی روزخرچ معقول فرستاده میشود باید که بخاطر جمع [illegible]
تحریر خیریتها منبسط دارند نسخهٔ بهار دانش مطالعهٔ آن برادر بقیمت مبلغ ده روپیه خریده فرستاده
خواهد رسید زیاده والدعا مکتوب ۶۹ شصت و نهم برادر ریحان برابر بلکه از جان بهتر و خوشتر لاله [illegible]
در حفظ داور بوده از عمر و دولت بهره ور باشند بعد دعوات مزید حیات و شوق [illegible]
باد روداد اینجا [illegible] المعبود شامل حال ست و سلامتی آن ستوده صفات [illegible]
یکسال میشود که اخوی بهوانی پرشاد را برای طلب آن برادر فرستاده بودم [illegible]

کہ بچہ سبب در آمدن توقف کردند انتظار کشیده قاصد را فرستاده شد لازم که از حقیقت برادر کامگار باشد
اطلاع دهند که خاطر جمع شود زیاده بجز شوق چه نویسد مکتوب شصت و نهم برادر کامگار شایسته
کردار طول عمره بعد دعای مزید حیات بهجت آیات مکشوف باد خط مسرت نمط رسید باعث نشاط خاطر
گردید برای رسیدن اینجانب جهت تشخیص موضع بهوانی پور نوشته [illegible] برادر من اتفاق آمدن نشده و چند
نمی افتد باید که [illegible]
و از مهر خود نوشته دهند که ساخته و پرداخته آن کامگار منظور است زیاده بجز شوق چه نوشته آید مکتوب
هفتاد و یکم برادر عزیز القدر شایسته کردار بحجت اطوار همواره خوشوقت و شادکام باشند بعد از دعای تزاید
عمر و شوق دیدار [illegible] مکشوف خاطر عزیز باد [illegible] سعادتمند دانش آموز بخدمت فضیلت
و کمالات دستگاه مولوی سید عبد الله [illegible] شروع تحصیل عربی نموده اند خدا می داند که به شوق باطن آن کامگار
نهایت خوشی بهم رسید باید که سعی و کوشش تمام بکار برده علم صرف و نحو کما ینبغی یاد گیرند اگر علم منطق و معقولات
تحصیل نمایند اولی است و الا این قدر بر تتبع فارسی ضرور است عالم الغیب بعلوم معاش و معاد فائز گرداناد
مکتوب هفتاد و دوم عزیز القدر سیوکرام خوشوقت باشند خط مسرت افزای خاطر رسید خوشی بر خیریت
حاصل گردید [illegible] نوشته [illegible] عظیم آباد نوشته بودند درین روز با خدمت فوجداری پرگنات
شاه آباد و غیره از حضور [illegible] اینجانب مقرر شدنی ست اگر این مقدمه راست می آید خانه
[illegible] چرا سفر دور و دراز اختیار [illegible] بعد یک ماه دیگر [illegible] انشاء الله تعالی همین جا نوکری میسر خواهد
شد زیاده چه نویسد مکتوب هفتاد و سوم برادر عزیز القدر سعادتمند لاله [illegible] محفوظ باشند بعد دعای
شوق [illegible] رحیم خان سوداگر بقیمت مبلغ پانصد روپیه فیصل شده است آن اسپ را
خواهم خرید بهمه نوشته شد [illegible] عزیز القدر زر قیمت رسانند [illegible] رام چند ساهوکار گرفته [illegible] رسانیده اسپ
[illegible] بفرستند زیاده والدعا مکتوب هفتاد و چهارم عزیز القدر شیخ مسعود بخیریت و بهبود باشند خط مرسله رسید
بر حقیقت اطلاع شد نوشته بودند که [illegible] جوراسی زر [illegible] برآنها از حضور تعین شود [illegible]
نوشته شاه میرزا احمد بیگ [illegible] فرستاده شد و [illegible] رسید
زربانی [illegible] آن عزیز القدر [illegible] راهمراه گرفته خود را [illegible] مقدمات
[illegible] چه مرقوم شود مکتوب هفتاد و پنجم عزیز القدر میر مظفر سلامت باشند خط

مرسله رسید حقیقت معلوم شد برای فرستادن پیاده ها تحصیل نوشته بودند شیخ مطلوب غیره پنجاه نفر پیاده تعیین نموده
شده باید که تا هنگام تحصیل نگاه دارند و یکصد روپیه ماه بماه طلبانه از مال میداده باشند و وقتیکه تحصیل موقوف شود
پیاده ها بار واله حضور خواهند نمود زیاده چه نگارش رود **مکتوب هفتاد و ششم** سیادت و نجابت
پناه فیض الله در حفظ الهی باشند خط مرسله رسید به حقیقت مندرجه آگاهی یافت از سرکشی زمینداران دهات موسات
وعده ادای زر نوشته بودند بالفعل تمسک [illegible] باید گرفت انشاء الله تعالی از تشخیص این محالات فراغت
کرده بان ضلع میرسم و بدبختان را بسزا خواهیم رسانید زیاده چه **مکتوب هفتاد و هفتم** مشیخت پناه شیخ قدرت الله
محفوظ باشند سابق برای ارسال خزانه قلمی شده بود هنوز انتظار بهاست چون تاکید حضور در باب ارسال خزانه
متواتر میرسد لهذا القلمی آید که بمجرد رسیدن نوشته زر معقول فراهم آورده مرسول دارند ورنه صورت اهمال بسیک
خواهد رسید زیاده چه تاکید رود **مکتوب هفتاد و هشتم** شجاعت و تهور دستگاه ولادور خان در حفظ
الهی باشند عرضی ایشان رسید کوائف مندرجه معلوم شد وعده ارسال زر بتاریخ هفتم شهر حال نوشته بودند امروز
و هم اینماه است تا حال زر نرسیده اینقدر خلاف نویسی پسندیده نیست باید که بساعت رسیدن پروانه زر معقول
ارسال دارند و آینده را ازین خلاف نویسی دست بردارند که در حق شما خوب نیست **مکتوب ۷۹ هفتاد
و نهم** خصوصیت و اخلاص دستگاه کشوربای محفوظ باشند مسموع شد که زمینداران موضع رام گره [illegible] اند
که بر سر جدا آن دریبست زمینداران کچهی پور برای قطعات ربیع آب نمیدهند باعث خشک میشود لهذا
می نگردد که بتحقیقات معقول پرداخته بزمینداران ام گنده تاکید نمایند که از منع آب انحراف کنند زیاده چه نگارش رود

فصل سوم عبارت مساوی نویسید مکتوب ۸۰ هشتادم میر صاحب مهربان قدردان
سلامت بعد سلام خیر انجام مشهود ضمیر منیر میگرداند مهربانی نامه چهره وصول افروخته حقیقت خیریت تمامی
آگاهی داد و مبتهج و مسرور گردانید نوشته بودند قیمت اسپ کمیت که از آن کمان خان مبلغ پانصد روپیه
فیصل شده است ازین علم نمیشود چون اینجانب را اسپ ضرور کار است امید که آن مهربان اسپ را [illegible]
دینجا بیارند که زر حواله مالک نموده اسپ گرفته شود زیاده چه بر طراز د **مکتوب ۸۱ هشتاد و یکم** مخدوم
صاحب مهربان مخلصان سلامت بعد سلام و شوق ملاقات مسرت آیات مکشوف رای گرامی [illegible]
نامه اخلاص آمود وصول نمود باعث نشاط و انبساط وافر گردید یک حقه ونیحه که از راه مهربانی [illegible]
بودند رسید بنهایت خرسند گردانید او سبحانه تعالی خانه آباد و دولت زیاده گرداناد **مکتوب ۸۲ هشتاد**

...وحم بر نماصه ... میر ... نیاز منداں سلامت بعد اظهار مراسم نیاز و آرزوی حصول ... مواصلت تمام بهجت مشهود
... تصویر گردانیده می آید دیر است که از ارقام مهربانی نامه ... ساخته اند دل مشتاق منتظر است
... مرا محظوظ ... یافت خیریتها فرستاده شد تر صد که از مژده خیریت ذات فرخنده صفات و روداد لشکر
... مفصل اطلاع دهند که خاطر جمع شود زیاده بجز شوق چه نویسد **مکتوب هشتاد و سوم** خالصاحب
...ن قدردان سلامت بعد سلام و آرزوی ملاقات سامی مشهود رای عاطفت ... دیگر ... جوانی نامه
... نمود نشاط ... در بخشید اراده لشکر فیروزی اثر بتاریخ هفتم شهر حال مطلب یک مهار شتر جهت باربرداری نوشته
... مهربان من دو روز است که میر فتح علی شتر را بنابر جهات بسیر خود برده اند و الا شتر از آن آن صاحب است دیگر
... مطلوب ... بی تکلف اطلاع دهند که در ابلاغ آن هرگز قصور نخواهد شد ایام جمعیت و خرمی مستدام باد
...وب هشتاد و چهارم میر صاحب مهربان قدردان سلامت بعد تقدیم سلام نیاز و آرزوی گرامی
...ت مشهود ضمیر منیر نموده می آید بوصول الطاف صحیفه مشمول بهجت و خرمی گردید بتاریخ شانزدهم ربیع الثانی
...ی کتخدائی میر فتح علی و طلب سرانجام نوشته بودند صاحب من هرچه در خانه خیرخواه است از خود تصور نمایند
... بجنس باقی ماند کسی آدم معتبر روانه خواهند نمود حواله آن کرده خواهد شد زیاده شادمانی کامرانی
مکتوب هشتاد و پنجم خانصاحب مهربان توجه فرمای مخلصان سلامت بعد سلام خیریت انجام
... دریافت سامی مواصلت بکیفیت رای ... لطف ... گردانیده می آید امسال مبلغ دوصد دار درختان ترنج
... آورده اند در حیوا الا ... ترنج بهای دوا مطلوب است اگر در باغ شریف باشند البته عنایت فرمایند
... باد **مکتوب هشتاد و ششم** لاله صاحب مهربان قدردان سلامت
... سلام و آرزوی ملاقات مسرت آیات مشهود ضمیر منیر گردانیده می آید مدت است که از تحریر احوال خیر مآل مشرح
... احوال ... انقباض خاطر بدرجه کمال است امید از مهربانیهای دیرین آن دارد که اینقدر فراموشی
... خیرخواهان در عالم یگانگی روا نداشته آینده برخلاف ماضی از ارقام احوال خیر مآل منبسط باید داشت شیخ
... دربار ... چاکری بهره اندوز خدمت سامی میشوند از آنجا که خدمت این طائفه عالیه موجب سعادت دارین
... صاحب گنجایش روزگار باشد دریغ توجه نباید داشت زیاده چه برطراز **مکتوب هشتاد**
...هفتم لاله صاحب مهربان مشفق مخلصان سلامت بعد گزارش سلام و آرزوی دریافت مواصلت
... ضمیر مهربانی تصویر ... می آید زبانی آیندگان اینصوب یافت شد که خدمت وقائع نگاری پرگنه

[illegible] بحضور نوابصاحب قبله بنام مغانصاحب علی رضا خان جیو مقرر شده و خدمت [illegible]
خانصاحب [illegible] قرار یافته باستماع این خبر جمعیت از خیلی تشفی تجمعی بحصول پیوست اگر اینمعنی [illegible]
[illegible] باشد مفصل اطلاع بخشند که اخلاص مند بهره اندوز خدمت سامی [illegible] همقرین روزگار فرخنده
آثار باد مکتوب هشتاد و هشتم دیوانصاحب مهربان قدردان سلامت بعد سلام و تمنای گرامی خدمت
[illegible] ضمیر منیر میگرداند [illegible] باز آمده [illegible] نمود همقرین بهجت و انشراح ساخت بنا بر وجه رسوم خود [illegible] بوده
بودند بنده در تدبیرست اینمرتبه وکیل [illegible] سوم شریف علیحده حواله او خواهد نمود
بخدمت سامی خواهد رسانید مخلص را وابسته مهربانیهای خود تصور نموده بابابی خدمت لائقه یاد فرما باشند که
تقدیم آن موجب خوشیهاست دولت و اقبال روز افزون باد مکتوب ۸۹ هشتاد و نهم دیوانصاحب
مهربان قدردان سلامت وکیل برای حصول داخله کچهری فرستاده [illegible]
داخله نمی نویسند چون معمول بنده این است که وجه تحریر در آخر سال میرسانند بخصوص امید که
تاکید شود که داخله وکیل را نوشته دهند انشاءالله تعالی زر تحریر بعجلی باقی زر [illegible] رسانیده خواهد شد
زیاده چه نوشته آید مکتوب ۹۰ نودم دیوانصاحب مهربان قدردان [illegible]
سامی مشهود ضمیر منیر نموده می آید مهربانی نامه مشتمل فرستادن فراریان موضع [illegible]
بنده استقامت میدارند رسید موجب نشاط خاطر گردید صاحب من [illegible] فراریان مسطور در موضع مذکور
بی اطلاع بنده استقامت کرده بودند وقتیکه به بنده اطلاع شد فراریان سامی را در علاقه خود جای دادن
ندیده فی الفور بدر نمود اگر می بودند البته مستاصل نموده بخدمت سامی میفرستاد زیاده بجز شوق چه نویسند
مکتوب ۹۱ نود و یکم شیخصاحب مهربان سلامت گوپال مقدم موضع دیولی ده علاقه سامی مبلغ پنجاه روپیه
از رامو نامی زمیندار علاقه بنده بطریق قرض بوعده فصل ربیع گرفته بود حالا که وعده رسید در ادای زر حیله حواله
می نماید چون مقدمه طرفین واحدست مقدم مسطور را نزد خود طلبیده تاکید مزید فرمایند که از [illegible] دست برداشته
زر قرضه را بموجب اقرار ادا نماید زیاده چه برطرازد مکتوب ۹۲ نود و دوم میرزا صاحب مهربان سلامت
رعایای موضع کهبار اظهار نمودند که اسامیان موضع باندا ده علاقه سامی اراضی پنجاه [illegible] موضع کهبار تردد
کاشت کرده بودند و محصول آنرا میخواهند که متصرف شوند چون مقدمه [illegible] موضع میشود
که اسامیان مرقوم را مانع باید شد که در زمین مزبور دست انداز نشوند [illegible] منع نموده از روی

چاپت فیصل نموده دهند اگر زمین کهارا قرار یابد حاصل آنرا بموجب بربست ده [illegible] باشد اگر زمین باشد تا ثابت
مختار اند انفصال این قضیه ضرور است زیاده چه نوشته آید مکتوب ۹۲ نود و دوم مرزا صاحب مهربان سلامت
خط سامی وصول نمود بر حقیقت مندرجه اطلاع دست داد و تقاضای زر قیمت اسپ که [illegible] بودند صاحب [illegible]
نوشته شده
بالفعل به بنده تقاضای زر سرکار بسیار است پروانجات از حضور متواتر [illegible] سال [illegible]
سواران [illegible] چند روز دیگر توقف باید نمود [illegible] سال [illegible]
البته بآن مهربان خواهم رسانید خاطر شریف جمع فرمایند زیاده چه نوشته آید مکتوب [illegible] مرزا
صاحب مهربان قدردان سلامت گرامی نامه وصول نمود منضبط و منشرح گردانید درباب فرستادن یکدست
[illegible] مهربان [illegible] امسال [illegible] برآمد سه دست [illegible]
گیری خوب برآمد از انجا یکدست که از همه بهتر بود مطابق ایمای سامی جو اگه رحیم باز دار نموده بخدمت
خواهد رسانید همیشه از مهربانی رقایم یاد فرماو نشاط افزا باشند زیاده چه برطراز دهد

[illegible] دستور [illegible] ان فراهم آورده منشی نونده رائی بتاریخ چهاردهم ۱۴ شهر
ربیع الاول ۱۲[illegible] هجری در مطبع علی بخش خان زیور طبع
پوشید فقط